



اتحادیه اروپا از نگاه چین: شریک اصلی

هرو دژان دلابتی

مترجم: حسین سپهر



حقیقتاً امروزه چین، اتحادیه اروپا را به عنوان یک قدرت عمده جهانی می‌نگرد. به علاوه چین به یک همکاری همه جانبه با اتحادیه اروپا تمایل دارد.

۱- پیشینه طولانی علاقه‌مندی دیپلماسی چین به اتحادیه اروپا

کارشناسان چین به واسطه‌ی شخصیت‌هایی نظیر مائوتسه تنگ از رشد چشمگیر اقتصادی و بازسازی اروپا در اواخر سال‌های ۱۹۵۰ قوت قلب گرفتند و به مرز خودباوری رسیدند. روابط رسمی بین چین و جامعه‌ی اقتصادی اروپا در زمان تصدی نخست‌وزیری دنگ شیائو پنگ در ۱۹۷۵ برقرار شد. در سال ۱۹۸۵ یک موافقتنامه همکاری تجاری بین آنها امضا گردید. چین در سال‌های دهه‌ی ۱۹۸۰ پذیرفت جایگاه مناسبی که در ساختار اروپایی وجود

اروپایی چین (کمیسیون چین در اتحادیه اروپا) مستحکم و تسهیل خواهد نمود.

همچنین هو جین تائو، معاون سابق رییس جمهور و رییس جمهور فعلی چین به هنگام دیدارش از پاریس در نوامبر ۲۰۰۱ تصریح کرد: "اروپا باید برای تحقق صلح و توسعه در قرن بیست و یکم نقش مهم و کلیدی ایفا نماید".

همگرایی اعضای اتحادیه اروپا در قیاس با سایر مناطق جهان بیشتر افزایش یافته است. به خاطر وجود منافع مشترک و حیاتی چین-اروپا، هر مناقشه بین‌المللی در روابط فی مابین آنها تاثیر مستقیمی بر جای نگذاشت. جیانگ زمین، رییس جمهور سابق چین اظهار داشت: "چین همیشه از روند همگرایی و ادغام اروپا حمایت می‌کند و در اتحادیه اروپا نگاه خوشبینانه‌اش به ایفای نقش فعال چین در عرصه‌ی

داشت و میزان همبستگی و اتحادی که اروپایی‌ها در آن مقطع زمانی به آن رسیدند، نباید بیش از حد درباره آن مبالغه کرد. زائو زیانگ، دبیر کل حزب کمونیست چین در سال ۱۹۸۴ اعلام کرد که همکاری بین چین مستقل و خودمختار و اروپای حاکم بر سرنوشت خویش برای صلح و توسعه جهان اهمیت دارد.

این وضعیت مطلوب در روند همگرایی یا ادغام اروپا در ابتدا از طریق تئوری سه جهان و به واسطه کاوش و پیگیری جهان چند قطبی محقق شد. ما این موضوع را به طور مکرر در سخنان رهبران چین شنیده‌ایم. برای مثال زو رنجی در سال ۱۹۸۵ به مناسبت اولین توافق مشترک چین و اروپا اعلام کرد: "چین از نقش آفرینی اتحادیه اروپا در مسایل بین‌المللی حمایت می‌کند و روابطش را با کمیسیون

• امروزه چین از گسترش
• سیاست خارجی و امنیتی
• مشترک اتحادیه اروپا
• هنگامی که آن را در جهت
• منافعش ببیند استقبال
• می‌کند. اما چین تردیدی
• ندارد که این سیاست با
• افزایش اعضای اتحادیه
• اروپا به علت رفتار عمومی
• و خاص آنها موفق
• نخواهد شد

روابط بین الملل وجود دارد".
ما اظهار نظر یا دیدگاهی انتقادآمیز به
جز دو مورد تنش بین چین و اروپا نیافتیم:
۱- منافع بلندمدت تاکتیکی:

اروپا به عنوان عامل موازنه
دیپلمات ها و کارشناسان چینی
هنگامی که روابط با اتحادیه اروپا را به
عنوان یک پیشرفت دایم تعریف کردند،
جایگاه تاریخی کشورشان را تسهیل
نمودند. نفع هر کدام از بحران ها به پای
اقدام نیروهای دشمن ریخته شد. در واقع
با این اتهام، دلایل حمایت چین از
همگرایی و ادغام اروپا به مرور زمان تغییر
یافت. در فاصله سال های ۱۹۸۰-۱۹۷۰
چین نقش پادزهر را در برابر قدرت شوروی
دنبال می کرد. در پایان سال های ۱۹۸۰
سیاست مصالحه و سازش چین به استثنای
مورد شوروی مسیر مطلوب را می پیمود.
چین سیاست حمایت از همگرایی اروپا را
به منظور مقابله با آمریکا آغاز کرد. طرح
دکترین مصالحه و سازش به عنوان

سیاست همگرایی و همسویی با تکوین جهان چند
قطبی در قالب دیپلماسی قدرت های بزرگ گنجانده
شده بود، احیای مجدد قدرت چین در سال های ۱۹۹۰
را دنبال می کرد.

در عمل چین در سال های ۱۹۹۰ به کرات از
شریک اروپایی خود نسبت به شریک اصلی خود یعنی
ایالات متحده آمریکا بهره جست. بعدها شاهدیم که
رابطه استثنایی با آمریکا گسترش یافت. چین با
گذراندن یک سلسله بحران ها و مبارزات در دوره ی
تنش با آمریکا، تمایل داشت یکسری امتیازاتی برای
آمریکا نسبت به اروپا قابل شود.

در نگاه چین، ایالات متحده آمریکا از وزن و
اهمیت راهبردی بیشتری برخوردار است و روابط
سیاسی چین- آمریکا هنوز مهمتر از روابط نظامی
آنها است. به واسطه ی گسترش و نفوذ نظامی آمریکا
در شرق آسیا و سپس از سال ۲۰۰۱ در آسیای مرکزی،
نیروهای آمریکایی در بطن محاسبات راهبردی و
امنیتی چین جای گرفتند. البته این نیروی نظامی
می تواند نتایج و آثار مثبتی برای چین به همراه داشته
باشد. زیرا چین برای توسعه اقتصادی خود به ثبات
نیاز دارد (گرایش سیاسی غالب و فعلی در چین صلح
و توسعه است و این دو برای از سرگیری مجدد
دستورالعمل دنگ شیائو پنگ ضروری هستند).

اروپا و چین درجه دوم و تحت الشعاع فرافز و نشیب
روابط اصلی پکن و واشنگتن است. از همه ی
اینها گذشته، یک قاعده و سنت قدیمی وجود
دارد که "از بربرها برای مهار و کنترل بربرها
استفاده شود".

۲- توجه به ساختار اروپایی امر جدیدی است

از مدت ها قبل رهبران و دیپلمات های چین
به دولت های در حال گذار اروپایی چشم دوخته
بودند. چینی ها بدون این که از توسعه سایر
دولت های اروپایی غافل شوند، در نگاه اول
دولت های در حال گذار بزرگ آلمان، فرانسه،
پادشاهی متحد بریتانیا و ایتالیا مطرح شدند. این
قضیه تا اواسط دهه ی ۱۹۹۰ حتی زمانی که
سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپا در حال
ظهور بود نمایان گشت. زمانی که گفت وگوهای
اروپا و چین رسماً از ۱۹۹۴ آغاز شده بود، چین به
اعطای امتیاز در جریان روابط دوجانبه با
دولت های عضو اتحادیه اروپا بدون این که در
تقابل با آنها برای کسب منافع یا امتیازات
دیپلماتیک و تجاری قرار گیرد ادامه می داد. در
همه موارد قبل، ملاقات وزرا یا نشست های کوتاه
سران اروپا و چین که اغلب در حاشیه اجلاس های
مهم بین المللی صورت می گرفت، به تحکیم روابط
اساسی چین با دولت های مهم و اصلی عضو اتحادیه
اروپا منجر گردید. به علاوه گفت وگوها و مذاکرات
با دولت های عضو اتحادیه اروپا به روابط دوجانبه آنها
عمق بخشید.

راجع به مسایل سیاسی، چین با اظهار سیاست و
احترام به ابلاغیه های ۱۹۹۵ و ۱۹۹۸ کمیسیون اروپا،
از دیر باز به روابط با اعضای اتحادیه اروپا به رغم
اختلاف و تضاد بین چین و آنها ادامه می داد. برای
مثال دانمارک و هلند بعد از آن که پیش نویس
قطعنامه ای علیه چین در کمیسیون حقوق بشر
سازمان ملل متحد را مطرح نمودند، در این زمینه
تجربه ای را گذراندند. امروزه چین از گسترش
سیاست خارجی و امنیتی مشترک اتحادیه اروپا
هنگامی که آن را در جهت منافعش ببیند استقبال
می کند. اما چین تردیدی ندارد که این سیاست با
افزایش اعضای اتحادیه اروپا به علت رفتار عمومی
و خاص آنها موفق نخواهد شد. چین از گسترش
مواضع انتقادی سال های اخیر پارلمان اروپا درباره
موضوعات حساس در نظر چین (حقوق بشر،
قضایای تایوان و تبت) اظهار تاسف کرد.



همان طور که قدرت رو به فزون چین همچنان آمریکا
را نگران می سازد، به همان نسبت تعهد رسمی ایالات
متحده پس از ۱۹۷۹ در دفاع از امنیت جزیره ی تایوان
بر نگرانی چین افزوده است. اینها اول و آخر
دیپلماسی و امنیت چین را شکل می دهند. در این
شرایط خیلی عجیب به نظر نمی رسد که اروپایی ها
می توانند یک چنین برداشتی را شکل دهند: روابط

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





۳- علاقه و منافع چین در قبال اروپا امروزه شکل گرفته است

گزارش رسمی اما بسیار جامع از طرف "موسسه چینی روابط بین الملل معاصر" در سال ۲۰۰۱ منتشر گردید. ما در آن یک ترازنامه خیلی مفید و سازنده از ساختار اروپا در همه‌ی زمینه‌ها و پیشرفت روابط چین و اروپا یافتیم. سایر افراد هم در این خصوص به خاطر تعهد بارز و صریح‌تر چین نسبت به اروپا به اظهار نظر پرداختند. آنها به نویسندگان اسناد رسمی چین درباره‌ی روابط با اتحادیه اروپا توصیه نمودند که از نظر اهداف، مشابه اطلاعیه‌های متوالی کمیسیون اروپا باشد. آن ضروری است که به خوشتنداری‌ها و ملاحظات چین توجه نماییم. ما توانستیم در زمینه‌های قبلی به فقدان سند رسمی به ویژه در نگارش آن موضوعاتی که محققان و کارکنان چندین وزارتخانه همکاری داشته‌اند پی‌ببریم. سند رسمی چین معادل با اطلاعیه‌های متوالی کمیسیون اروپا بود، سرانجام در اکتبر ۲۰۰۳ از طرف وزیر خارجه چین منتشر گردید. این جمله خود بسیار گویا بود، زیرا برای اولین بار بود که مقامات چین از ضرورت آزمون این روش سیاسی به همان نسبت شریک اصلی‌شان احساس رنجش می‌کردند. بنابراین جای شگفتی نیست که دولت‌های عضو اتحادیه اروپا استقبال مناسب و درخور از چین را برای خود محفوظ می‌دارند.

این سند رسمی با دلایل بسیار روشن اظهار می‌دارد به چه دلیل اروپا اولین شریک اصلی برای چین است؟

اتحادیه اروپا در این زمینه یک رابطه قوی و همگرایی را با چین برقرار کرده است و به رغم مشکلات و چالش‌های آینده در روند ادغام و همگرایی اروپا، اتحادیه اروپا نقش مهمتری در مسایل منطقه‌ای تا مسایل بین‌المللی ایفا خواهد کرد. این نقش آفرینی به وضوح در رویکرد گسترش اتحادیه اروپا مشهود بود و تمام عرصه‌های روابط اروپا-چین (تحت اشکال مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، امنیتی و نظامی) را در بر می‌گیرد. رسمیت یافتن این روابط می‌تواند به رغم استمرار برخی اختلافات و واگرایی‌ها رونق یابد.

مطابق با خواسته‌های اروپا، محتوای سند مسایل کنترل تسلیحات و منع اشاعه در عرصه همکاری اروپا-چین را در بر می‌گیرد. همچنین در سند به نفع تقویت همکاری با سازمان ملل و با اجلاس یا محفل اروپا-آسیا توصیه‌هایی شده است،

از جمله همکاری پلیسی و قضایی بین چین و اروپا جهت تشدید مبارزه علیه تروریست‌ها را توصیه می‌کند. سند مزبور تایید می‌کند که چین آماده است گفت‌وگو درباره‌ی حقوق بشر را پیگیری نماید و زمینه‌های متعددی را که در هر کدام از آنها، چین خواهان افزایش همکاری اقتصادی، علمی و فنی با اتحادیه اروپا است را مورد بررسی قرار دهد. بلافاصله رسانه‌های چین خاطرنشان ساختند گمان می‌رود این سند جهت‌گیری سیاست چین در قبال اروپا را مشخص کرده است.

ممکن ساخته قرار دارد. به رغم کم‌حرکی اولیه در روابط بین آنها، پیشرفت گفت‌وگوهای سیاسی بعد از اهمیت همکاری اقتصادی اروپا با چین و عضویت این کشور در سازمان تجارت جهانی و توسعه همکاری بین آنها در زمینه‌های جدید از جمله مبارزه با مواد مخدر، قاچاق انسان و تروریسم عمیق‌تر شده است و درک دوجانبه‌تری از موضوعات سنتی مورد اختلاف اعم از سیاسی و تجاری (حقوق بشر، قضایای تایوان و تبت و رفع موانع تجاری) را به آنها اعطا ساخت. در مجموع به واسطه درک بیش از پیش عمیق رهبران و کارشناسان چینی و در عین حال رهبران اتحادیه اروپا، اهمیت ساختار اروپایی و نقش اروپا در مسایل جهانی تبیین شده است. همان‌طور که چارچوب سند چین در اکتبر ۲۰۰۳ اظهار می‌دارد: "همکاری اروپا و چین مرحله‌ای تعیین‌کننده در اهمیت و نقش جهانی آنها است، لذا طرفین باید از آن به طور مشترک استقبال نمایند".

با وجود این پیشرفت‌ها، تمام انگیزه‌های اختلاف و برداشت‌های غلط طرفین کاملاً از بین نرفته‌اند. هر چند از نگاه چین، اروپا به عنوان قدرتی درجه دو و رابطه با آن از اولویت‌های ثانوی تلقی می‌شود و رابطه ویژه چین با آمریکا ابزاری مهم در برقراری توازن بین آمریکا و اروپا است، اما اروپا همچنان بر حفظ آثار و دستاوردهای موجود رابطه با چین اصرار می‌ورزد. قبل از هر چیز طبق اسناد رسمی و اعلامیه‌های طرفین، از قصدشان چنین مستفاد می‌شود که باید از طریق همین اسناد دوجانبه اهمیت راهبردی روابط اروپا-چین مشخص و تبیین گردد.

از جمله همکاری پلیسی و قضایی بین چین و اروپا جهت تشدید مبارزه علیه تروریست‌ها را توصیه می‌کند. سند مزبور تایید می‌کند که چین آماده است گفت‌وگو درباره‌ی حقوق بشر را پیگیری نماید و زمینه‌های متعددی را که در هر کدام از آنها، چین خواهان افزایش همکاری اقتصادی، علمی و فنی با اتحادیه اروپا است را مورد بررسی قرار دهد. بلافاصله رسانه‌های چین خاطرنشان ساختند گمان می‌رود این سند جهت‌گیری سیاست چین در قبال اروپا را مشخص کرده است.

نتیجه‌گیری

روابط اروپا و چین بر پایه پیشینه‌ای طولانی که در عمل امکان طی نمودن این مسیر را برای آنها

- روابط اروپا و چین
- بر پایه پیشینه‌ای
- طولانی که در عمل امکان
- طی نمودن این مسیر را
- برای آنها ممکن ساخته
- قرار دارد